

## نقش دستگاه قضایی در سیاست جنایی کشور و تاثیر آن در احقاق حقوق شهروندی

### صادق تبریزی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

#### چکیده

در سیاست جنایی ایران نهادهای پلیس، دستگاه قضایی و اجرایی بیشتر از سایر سازمانها با حقوق شهروندان درگیر هستند. تحقق رعایت حقوق شهروندی مستلزم برخورداری از حق احترام، برابری، آزادی، امنیت، آسایش، آگاهی و حق پیشرفت برای تمام افراد جامعه است. نتایج نشان داده در قانون اساسی کشورمان ظرفیت های گسترده ای برای حمایت از حقوق شهروندان وجود دارد. پلیس در جایگاه ضابط دادگستری به سبب تعامل مستمر و مستقیم با شهروندان، نقشی اساسی در چرخه عدالت دارد. حفظ نظم و امنیت و رعایت حقوق شهروندان پس از رفع مایحتاج اولیه انسانی در درجه نخست اهمیت قرار دارد. حقوق شهروندی از جمله اموری است که کوچکترین مسامحه نسبت به آن، آزادی های اساسی و در مواردی زمینه نقض حقوق فرد را فراهم میسازد. هدف از ارائه این مقاله بررسی رویکردهای دستگاه قضایی و اجرایی در سیاست های جنایی و تاثیر آن بر حقوق شهروندیست.

واژه های کلیدی: حقوق شهروندی، دستگاه قضایی و قوانین، هنجارها / پلیس، سیاست جنایی

## مقدمه

در مقاله پیش رو که تلاش برای نشان دادن نقش دستگاه قضایی در سیاست های جنایی و اثرات آن در تحقق نظم و امنیت (حقوق شهروندان) جامعه است، جامعه ای ایده آل، اسلامی، که هدف همه اولیاء و انبیاء است را مورد بررسی قرار می دهیم. پلیس کشور اسلامی از آن جایی که با پشتوانه تاریخی، روایی، اعتقادی و اخلاقی عظیمی در جهت نیل به امنیت برخوردار است، قطعاً با اندکی بازنگری و بازبینی گذشته خود می تواند به اهداف خود نیز در نیل به جامعه آرمانی دست یابد. این مقاله از آن جایی که به دنبال ارائه راه کارهای مناسب با جامعه و پلیس ایرانی- اسلامی است، به ضرورت بحث، هر گاه نیاز شده از آیات و روایاتی برای تأیید راه کارهایی ارائه شده کمک گرفته است. خوشبختانه گنجینه عظیم معارف اسلامی و مهمتر از آن تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام و تجربه های مکرر آن، امروزه می تواند بسیاری از نیازهای نیروهای امنیتی و انتظامی جامعه را متناسب با باورهای اسلامی پاسخ دهد. نکته مهم این است که حقوق شهروندی را دولت ایجاد نمی کند بلکه باید آن را رعایت کرده و از آن حمایت کند یعنی به عبارت دیگر (با کمک دستگاه قضایی و دیگر نهاد های زیربط) چگونگی اجرای آن را سازماندهی کند و حتی آنجا که خود این حقوق را نقض کرده است جبران نماید. در واقع خود حکومت (در جوامع دموکراتیک و مردم سالار) تبلور حقوق شهروندی است. به عبارت دیگر، حکومت زائیده تحقق بخشی از حقوق شهروندی است. هر چند حکومت در حمایت و رعایت مصادیق حقوق شهروندی و تنظیم ساز، کارهای مربوط به تحقق آن مؤثر است اما تمامیت حقوق شهروندی ناشی از اراده حکومت و تمایل وی برای اعطای آن به مردم نیست. حقوق شهروندی از جامعیتی برخوردار است که شکل و نوع حکومت و حاکمان را در درون خود جای می دهد. در واقع این شهروندان هستند که با اعمال حقوق خود به انتخاب حکومت و حاکمان می پردازند. بر این مبنا موجودیتی که ناشی و زائیده حقوق شهروندی است نمیتواند موجد این حق باشد.

## پیشینه موضوع

در قلمرو سیاست جنایی ایران، اهمیت جرم شناسی و توجه به کاربرد آن در به روز رسانی سیاستهای کنترل کننده ی بزه کاری مورد تاکید قرار گرفته است. خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در شماری از اصول به ویژه بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم، با واگذاری تکالیف جرم شناسانه به دستگاه قضایی، به این اهمیت جامه ی عمل پوشاندند. یعنی، قوه ی قضاییه برای برقراری نظم و امنیت در جامعه، باید در زمینه ی پیشگیری از بزه کاری و هنجارشکنی، تعامل بین شهروند و حقوق آنان، اقدامهای الزم را به کار گیرد.

قانونگذار ایران در شماری از قوانین به تبیین جنبه های مختلف این تکالیف مبادرت ورزیده است؛ که قانون برنامه های پنج ساله ی توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۰) از جمله بارزترین آنهاست. به موجب این قانون، دستگاه قضایی برای مهار پدیده ی هنجارشکنی ماموریتی جرم شناسانه و روانشناسانه یافته تا از این رهگذر بسترهای بهره گیری از رهیافت های علمی فراهم شود. این قانون جهت راهبردی دستگاه قضایی را استفاده از تدابیر جرم شناسانه تعیین نموده است تا این نهاد به منظور کاهش میزان بزه کاری و ناهنجاری، بالا بردن سطح نظم و امنیت، و کاهش احتمال شکلگیری انگیزه ها و فرصتهای جنایی، به ابتکارهای جرم شناسانه رو آورد. از این رو، به نظر میرسد، در این سیاست واقعیت دیگری نیز نهفته باشد؛ این که تکالیف پیش گفته ی دستگاه قضایی که پیشتر در سطح قانون اساسی، اجرایی- عملیاتی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته اند، به همین جهت قانونگذار ایران در قانون بنیادی دیگری آن را شناسایی نموده، تا به واسطه ی زمانبندی پیشبینی شده در این دسته از قوانین، زمینه ی اجرای آنها مهیا شود. واگذاری این تکالیف به دستگاه قضایی حاکی از نقش راهبردی آنها در کاهش شمار هنجارشکنی ها است.

بر همین اساس سیاستگذاران دستگاه قضایی باید با رویکردی فرابخشی و علمی در راستای انجام آن گام بردارند. این که مشارکت کلیه ی نهادها (اعم از دولتی و جامعه ی) دانشگاهیان جرم شناس و روان شناس برای چگونگی شناسایی/ کنترل و مهار این گونه پدیده ها مورد توجه قرار گرفته و بر تدابیر ناظر به ساماندهی (نظام رفتاری/ شخصیتی افراد) تمرکز شود؛ زیرا پیشگیری از هنجارشکنی، از جمله تدابیر سیاست جنایی است که به تنهایی از سوی دستگاه قضایی امکانپذیر نیست، به

این جهت که صرفاً برخی از امکانات ضروری برای عملیاتی کردن آنها، در اختیار دستگاه اجرایی بوده و دستگاه قضایی نمیتواند بدون بهره‌گیری از آنها، به شکل موثری در راستای تعامل، پرورش، رفاه اجتماعی و ارتقای وضعیت اقتصادی شهروندان به تکالیف هنجارگرایانه‌ی خود جامه‌ی عمل بپوشاند. واگذاری این تکلیف به دستگاه قضایی به این معنا نیست که دیگر دستگاه‌های دولتی و حتی جامعه‌ی خود جامه‌ی عمل بپوشاند. نقش‌ی نداشته باشند. اگر قوه‌ی قضاییه نمیتواند در این زمینه به درستی عمل کند زیرا سازمان زیر مجموعه‌ی دستگاه قضایی، از امکانات لازم برخوردار نیست. از این رو، تحقق تکلیف دستگاه قضایی در این حوزه به همکاری وافر سایر نهادها نیاز دارد. همکاری‌ای که میتواند تا اندازه‌ی زیادی در اثر بخشی تدابیر پیشگیرانه نقش آفرین باشد.

### بنیادهای تکالیف سیاست دستگاه قضایی در برابر پیشگیری

در پهنه‌ی سیاست جنایی ایران، به موجب قسمت نخست بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی، وظیفه‌ی پیشگیری به قوه‌ی قضاییه محول گردیده است؛ تکلیفی که به واسطه‌ی ایفای آن، امکان کاهش شمار ناهنجاری نخستین فراهم میشود. با توجه به این که بیش از سه دهه از واگذاری این وظیفه میگذرد، ولی همچنان در خصوص چگونگی اجرایی- عملیاتی شدن آن ابهام‌هایی وجود دارد. با معرفی مقام‌های صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور آموزش محوری با هدف حرفه‌آموزی، رشد، بازپروری و بازسازی می‌شوند، نویسندگان قانون برنامه پنجم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۹۰ به تبیین تعدادی از جلوه‌های این تکلیف اساسی - بنیادی مبادرت ورزیده‌اند. پیشگیری فرد مدار شامل آن دسته از تدابیر اقدام‌های سیاست جنایی است که در پرتو آنها، چگونگی سپری شدن فرایند رشد و پرورش شخصیت افراد مورد توجه قرار میگیرد. به دیگر سخن، این گونه پیشگیری با تکیه بر تدابیر و اقدام‌های غیرکیفری، درصدد تأثیرگذاری بر سامانه‌ی رفتاری - شخصیتی افراد بوده و برای دسترسی به این هدف، بر چگونگی طی شدن دوران رشد افراد، تکامل شخصیت آنان و اثرگذاری بر محیط‌های نقش آفرین بر ماهیت رفتار افراد تمرکز میکند. به این ترتیب، پیشگیری فرد مدار، جلوه‌ی شخصیت پرور سیاست جنایی پیشگیرانه است که در پرتو آن، احتمال شکل‌گیری انگیزه‌ی جنایی کاهش مییابد. اینگونه پیشگیری، بر پایه‌ی معیار وضعیت مخاطبان تدابیر سیاست جنایی، به نوبه‌ی خود به دو نوع «جامعه محور» و «رشد محور» دسته‌بندی میشود. گونه‌ی نخست، پیشگیری محیطی نام دارد که از رهگذر محیط‌های پیرامونی افراد، بر فرایند تکامل شخصیت شهروندان متمرکز میشود. در واقع، سامانه‌ی سیاست جنایی با تکیه بر تدابیر پیشگیری جامعه مدار بر سوق دادن کلیه‌ی شهروندان به سمت در پیش گرفتن زندگی سالم اجتماعی تأکید می‌ورزد. این نوع پیشگیری برای دستیابی به این هدف بر ظرفیت‌های محیط‌های مختلف اجتماعی یعنی، محیط عمومی و شخصی توجه نشان میدهد. بالا بردن سطح رفاه خانواده‌ها، فراهم ساختن فرصت آموزش و پرورش برای همگان، اشتغال زایی و فقرزدایی از جمله تدابیر این پیشگیری اند که افزون بر تأکید شماری از اسناد بین‌المللی مانند میثاق ۱۹۶۶ مورد توجه مقررات بنیادین ملی نیز قرار گرفته‌اند.

### بنیادهای حقوقی - بشری

امنیت، همواره یکی از بنیادین‌ترین ارزش‌های جوامع بشری است و بر همین اساس حکومتها به واسطه‌ی قرارداد اجتماعی باید تدابیر مختلفی برای حمایت از این ارزش اتخاذ کنند، زیرا بر پایه‌ی آن، شهروندان برخی حقوق و آزادی‌های خود را به دولت‌ها واگذار نموده تا دولت‌ها بتوانند به مدیریت جامعه مبادرت ورزند. همین واگذاری، برای شهروندان حق و در مقابل برای دولت‌ها تکالیفی را به وجود می‌آورد. حق و تکلیف دارای ابعاد گسترده‌ای است و از همین رو حکومتها باید در راستای جنبه‌های مختلف آن سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کنند. بر این اساس، تأمین امنیت و پیشگیری به واسطه‌ی تدابیر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، وضعی و غیره، از جمله مصادیق شاخص این قرارداد اجتماعی است که دولت‌ها باید در این خصوص اقدام‌های مناسب را به کار گیرند، «یعنی اطمینان خاطر که بر پایه‌ی آن، افراد نسبت به حفظ نفس و آزادی خود و دیگران در یک جامعه دارند»

## اسناد بین المللی مانند اعلامیه ی جهانی حقوق بشر

حقوق مدنی، سیاسی و نیز برخی از مقررات بنیادین ملی به رسمیت شناخته شده و بر ضرورت پاسداری از آن در گستره ی جامعه تأکید شده است. برای مثال، طبق بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی «تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» از جمله تکالیف دولت است، هنجار شکنی به عنوان یک رفتار ناقض ارزشهای اساسی جامعه از مصادیق بارز ناامنی به شمار رفته و به واسطه ی ارتکاب آن تعدادی از شهروندان به منزله ی بزه دیدگان مستقیم و بقیه ی شهروندان به جهت برخوردار شدن از احساس ناامنی، قربانیان غیر مستقیم آن شناخته میشوند، اینجاست که دولتها باید برای حمایت از حق شهروندان در برخورداری از امنیت، تدابیر مناسبی را به کار گیرند؛ تدابیری که به واسطه ی آنها، شهروندان احساس امنیت نموده و به امنیت دست یابند. در گذشته، مهمترین تدبیر دولت برای حمایت از این ارزش، بهره جستن از ظرفیت های عدالت کیفری بود.

بر این اساس، حکومتها به سلاح مجازات روی آورده و از این ره گذر درصد پاسخ دهی به بزهکار و ایجاد امنیت بر می آمدند، اما این ابتکار دولتها کافی نبود، زیرا ظرفیت نهادهای و ابزارهای عدالت کیفری محدود بود و در نتیجه هنجار شکنی ها به صورت مطلوب کنترل نمیشد. در پی همین ناکامی دولتها در برقراری هر چه بهتر امنیت بود که راهبرد پیشگیری و راه های آن وارد گسترهی سیاست جنایی شد.

با این نگرش که تدابیر کنشی دولتها پیش از هنجار شکنی، میتواند موجب کاهش بی نظمی باشد و تأمین امنیت را فراهم سازد؛ به این ترتیب، دولتها با استفاده از ساز و کارهای متعدد از جمله تدابیر ارتقاء دهنده ی وضعیت رفاهی شهروندان، عوامل ناهنجاری را کاهش داده یا از بین برده و در نتیجه احتمال تأمین مناسبتر نظم و امنیت را افزایش میدهد. پس، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه ی فرد مدار و موقعیت مدار موجبات دسترسی شهروندان به یکی از شاخص ترین جلوه های حقوق بشری را فراهم می آورد. و از سوی دیگر، از تعداد ارتکاب بزهکاری میکاهد. واگذاری تکلیف پیشگیری از وقوع ناهنجاری ها به دستگاه قضایی، در آموزه های حقوق بشر نیز ریشه داشته و به همین جهت این نهاد موظف شده در راستای پیشگیری از وقوع جرم گام بردارد.

## جلوه های تکالیف پیشگیرانه ی دستگاه قضایی در برنامه ی پنجم توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

نویسندگان قانون یادشده در مواد ۲۱۱ و ۲۱۲ زیر عنوان «فصل هشتم؛ حقوقی قضایی»، تکالیفی را برای دستگاه قضایی پیشبینی کرده اند که از ماهیتی پیشگیرانه برخوردارند.

فرهنگ سازی یکی از مهمترین سازوکارهای پیشگیری جامعه مدار است که نظام سیاست جنایی از این رهگذر میتواند به بالا بردن سطح آگاهی های عمومی، شعور و درک اجتماعی و در نتیجه کاهش میزان بزهکاری دست یابد. این سامانه به وسیله ی آشنا ساختن شهروندان با هنجارهای بنیادین اجتماعی و مقررات ناظر به رفتار فردی و محیطی آنان، زمینه های شکل گیری درست نظام شخصیتی افراد و متمایل شدن این دسته به سوی احترام گذاردن به ارزش های اساسی جامعه را فراهم می آورد.

فرهنگسازی به انتقال دانش، عقیده ها، سنتها و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی می انجامد، لذا سیاستگذاری در این زمینه و تهیه ی برنامه های فرهنگی مناسب میتواند چارچوب رفتاری شهروندان را به گونه های مطلوب ساماندهی کرده و آنان را هنجارگرا سازد، سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های سنجیده، به مشارکت سازمانهای متعدد به ویژه رسانه ها نیازمند است؛ زیرا رسانه به عنوان یکی از پر مخاطب ترین نهادها میتواند در جهت دهی شهروندان و آموزش این دسته نقش به سزایی ایفاء نماید. رسانه ها از رهگذر شناسایی و تحلیل معضلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بکارگیری اقدام ها و برنامه های مناسب میتوانند در چگونگی برخورد شهروندان با مناسبتهای اجتماعی تأثیرگذار باشند. گونه های متعدد رسانه اعم از نوشتاری، شنیداری و دیداری، این قابلیت را دارند که به شکل های مختلف در ارتقاء سطح فرهنگ جامعه، رایج ساختن آداب و رسوم و آشنا نمودن شهروندان با ارزشهای بنیادین اجتماعی نقش بیافرینند.

در این میان رسانه های شنیداری و دیداری به دلیل برخورداری از کارکرد تفریحی- سرگرمی جذابتر بوده و شمار زیادی از شهروندان را با خود همراه می سازند. به عنوان نمونه، صدا و سیما میتواند به عنوان وسیله های تفریحی - سرگرمی، در قالب ابزاری آموزشی - پرورشی، مهارتهای زندگی، هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را به مخاطبان آموخته و به عنوان یک نهاد پیشگیرنده در عرصه ی سیاست جنایی ظاهر شود. این رسالت صدا و سیما آن چنان پر اهمیت است که خبرگان قانون اساسی در مقدمه و بند ۲ از اصل سوم، نقش این رسانه در زمینه ی پیشگیری از ناهنجاری را به رسمیت شناخته اند. بنابراین، قوه ی قضائیه باید از طریق همکاری با صدا و سیما به ساخت برنامه های آموزشی مبادرت ورزد تا دست کم شماری از هنجار شکنان احتمالی از ارتکاب رفتارهای ضد ارزشی و ضد اخلاقی خودداری کنند؛ این تعامل سبب میشود شهروندان با هنجارهای حقوقی- قضایی آشنا شده و چارچوب رفتاری خود را ساماندهی کنند. دستگاه قضایی در پرتو این تکلیف و از رهگذر همکاری با رسانه های دیداری و شنیداری و آموزش بایدها و نبایدهای حقوقی، افراد را نسبت به ارزشهای قانونی آگاه ساخته و امکان هنجارگرایی شهروندان را فراهم میآورد.

اجرای درست این وظیفه به همکاری چند سویه ی قوه ی قضائیه با نهادها و ارگان های اجرایی کشور، علی الخصوص صدا و سیما در زمینه ی اهمیت و ابعاد پیشگیری از هنجار شکنی ها و چگونگی اولویت گذاری در این خصوص وابسته است. ضمناً سازمان فرهنگساز مشخصی در جامعه وجود ندارد.

نکته، نهادهایی مانند رسانه های نوشتاری هم در این زمینه دارای ظرفیت های فراوان هستند که مناسب بود قانونگذار نسبت به تعامل دستگاه قضایی با آنها در خصوص آموزش هنجارهای حقوقی و قضایی سیاستی اتخاذ می کرد.

قانونگذار در قسمت دوم بند «ج» ماده ی ۲۱۱ «، تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان دستگاه قضایی در جهت توانمندسازی و آموزش تخصص آنان را به قوه ی قضائیه واگذار کرده است تا به این واسطه نهادهای پلیسی - قضایی متولی مهار ناهنجاری، با رویکردی تخصصی و لحاظ آموزه های علمی مربوط به این مقوله فعالیت نمایند؛ زیرا در پرتو آشنایی این نهادهای تخصصی با آموزه های علمی ناظر به چگونگی پاسخ دهی به هر یک از مسائل، امکان متناسب سازی و دقیق بودن واکنشها فراهم میشود؛ به ویژه آن مرحله ی پلیسی از مهمترین مراحل فرایند کیفری بوده و شخص پس از ارتکاب رفتار ناقض الزامات کیفری به ناچار در این بستر قرار میگیرد. از این رو، چگونگی برخورد کارگزاران عدالت کیفری با این دسته در اجرای درست و یا نادرست تدابیر اصلاحی - درمانی عدالت کیفری تأثیرگذار میباشد. اجرای موفق برنامه های دستگاه قضایی، از جمله برنامه های بازپرورانه در گرو چگونگی اجرای آنها از سوی کارگزاران عدالت کیفری است. همین اهمیت سبب شده تا مقنن ایران به دستگاه قضایی مأموریت تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان دادگستری را بسپارد تا به واسطه ی آشنا شدن آنان با بایدها و نبایدهای رفتاری ویژه ی هریک از دسته های بزه کارانه و هنجارشکنانه، زمینه های بهتر اصلاح و درمان مهیا شود. تکالیف ماهوی دستگاه قضایی در زمینه ی بازپروری ایجاد تشکیلات و ساختار مناسب کافی نیست، بلکه باید از تدابیر و برنامه های ماهوی بازپرورانه نیز بهره جست.

این دسته از تدابیر به طور عمده، پس از شناسایی معضلات هنجارشکنان اتخاذ شده و با تأثیرگذاری بر عوامل مشکل زا، جرم زا، ساماندهی نظام شخصیتی و رفتاری این دسته را امکانپذیر میسازد. در واقع، این تکالیف به ماهیت و ذات برنامه های سامانه ی عدالت کیفری برای اصلاح و درمان مرتبط است. بر همین اساس، تصمیمگیران سیاست جنایی ایران در شماری از بندهای مواد پیش گفته، از چگونگی کیفیت تدابیر نظام قضایی جهت بازپروری و بازسازی هنجاری سخن به میان آوردهاند.

### حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس

ایران باستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته اند. منشور صادر شده از سوی کوروش، پادشاه هخامنشی، بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. منع برده داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی افراد در برابر قانون و ... در اسناد به دست آمده از تخت جمشید قابل مشاهده است.

در تاریخ معاصر ایران چندان نمی توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران چندان توجهی به آراء و حقوق مردم نمی نموده است. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز توجه به همین نقض حقوق مردم در ایران اتفاق افتاده است. عدم رعایت این قوانین در طول سال های حکومت خاندان پهلوی در ایران بسط یافت و در تمام شئون حقوق مردم نفی و مورد انکار قرار گرفت. وجود شکنجه گاه های جایگاه حقوق شهروندی در مدیریت پلیس با تکیه بر منابع اسلامی مخوف و دادگاه های بیدادگر، از بارزترین مصادیق نقض حقوق شهروندی در این دوران است.

با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر اجرای قوانین شرعی، منع شکنجه، تشکیل دادگاه های عادل و روند منصفانه دادرسی ها از اقدامات اولیه در اصلاح و تأسیس نهادهای قضائی و جزائی در ایران بوده است. فرمان هشت ماده ای حضرت امام خمینی(ره) با ذکر مواردی از قبیل منع شکنجه، رعایت عدالت قضائی و ... یکی از اسناد قابل توجه در زمینه حقوق شهروندی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی از قبیل اصول زیر بر لزوم برابری همه شهروندان در مقابل قانون، منع شکنجه و ... تأکید نموده است:

اصل سوم قانون اساسی که در آن وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف مورد نظر اسلامی ترسیم شده است دربردارنده حقوق شهروندی در تمامی زمینه هاست و شامل آزادی های سیاسی، اجتماعی، مشارکت در تعیین سرنوشت و ایجاد امنیت قضائی و تأمین حقوق همه افراد اعم از زن، مرد و تساوی عمومی در برابر قانون و استفاده از آموزش رایگان می باشد.

اصل نوزدهم - مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم - همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

اصل بیست و دوم - حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و پنجم - بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابره های تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل چهلم - هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

در قوانین عادی علاوه بر قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری،

قانونگذار در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ ماده واحده ای را تحت عنوان «احترام به آزادی های مشروع و

حفظ حقوق شهروندی» به تصویب رساند که به طور مشخص به رعایت حقوق شهروندی اصحاب دعوی توسط محاکم قضائی و ضابطان دادگستری توجه شده است.

### فلسفه حقوق شهروندی شهروندان

با توجه به مبانی نظری ذکر شده پیرامون موضوع حقوق شهروندی به مواردی از فلسفه حقوق شهروندی با رویکرد ها و سیاست های مختلف می پردازیم:

#### ۱- احقاق حقوق شهروندان:

می توان گفت یکی از دلایل و فلسفه وجودی مقوله حقوق شهروندی، احقاق حقوق تا زمانی که حقوق مردم در جامعه به عنوان اساسی ترین موضوع زندگی مردم است. بررسی اسناد موجود نشان می دهد پیشوایان معصوم در جامعه اسلامی، حاکم را «پدری مهربان»، «برادر» و «معلم»، «ولی» و «والی»، «حافظ» و «راعی»، «نگهبان حقوق و امنیت مردم» و «امام» می شمردند. رسول خدا و امیرمؤمنان(ع)، بنی امیه را به خاطر آنکه مردم را به چشم «بردگان» و حتی «حیوانات و گیاهان» که برای راحتی و منفعت آنان به عنوان ارباب و صاحب اختیار آفریده شده اند سرزنش می کردند و دست اندازی آنان را به خاطر قدرت سیاسی بر نمی تاقتند. پیامبر خالفت را بر ایشان حرام می دانست. در اینجا به مصادیقی از چگونگی فلسفه حقوق

شهروندی در سیره معصومان اشاره می‌نماییم. پیامبر گرامی اسلام به هنگام اعزام معاذ بن جبل به فرمانداری یمن در نامه ای به مردم به جایگاه حقوق شهروندی در مدیریت پلیس با تکیه بر منابع اسلامی صراحت نوشتند: «انی لم ابعث علیکم معاذا ربا و انما بعثته اخا و معلما و منفذا المراهل و مطیعا الذی علیه من الحق مما فعل»... من «معاذ» را به عنوان رب و صاحب اختیار شما نفرستادم، بلکه او را برادر و معلم و به منظور اجرای اوامر الهی و شخص مطیعی که در انجام امور مسئولیت دارد، فرستادم».

## ۲- دوام و استمرار حکومت اسلامی:

امیرالمومنین (ع) در مقام لزوم رعایت حق حاکم و حق مردم در خطبه ۲۱۶ نهج‌البالغه می‌فرماید: «در آن هنگام که رعیت بر حاکم غالب شود، یا حاکم بر رعیت ظلم و تعدی روا دارد، کلمه جامع آن دو مختلف گردد و پراکندگی در جامعه نفوذ کند و عالمت‌های ستم آشکار شود، فریبکاری در دین فراوان و طرق سنت‌ها رها گردد. در این موقع است که عمل بر طبق هوا و هوس صورت گیرد و احکام الهی متوقف شود و اختالات و بیماریهای نفسانی رو به فزونی گذارد».

## پلیس و حقوق شهروندی

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص خواسته و توقع مردم از پلیس می‌فرماید: «مردم می‌خواهند نیروی انتظامی... مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد». از مصادیق ادب و احترام، رعایت حرمت و احترام مردم از سوی مأموران پلیس است. این احترام به صورت‌های گوناگونی می‌تواند تجلی پیدا کند. مصادیق ابعاد و شاخص‌های این متغیر عبارتند از:

حفظ حرمت و حیثیت شهروندان، برخورد و رفتار خوب با شهروندان، صداقت داشتن پلیس در برخورد با شهروندان، پاسخ‌گو بودن پلیس به شهروندان، امانت‌داری پلیس نسبت به اظهارات شاکی، متهم و گواه، ترتیب اثر دادن به پیشنهادهای شهروندان، رعایت حقوق شهروندان در کشف و تعقیب جرائم، استانداردسازی رفتار پلیس، حفظ حریم خصوصی و عمومی شهروندان، پرهیز از خشونت رفتاری برخورد با شهروندان.

- شاخص‌های احترام پلیس به حقوق شهروندی را می‌توان به دو دسته «یجایی» و «سلبی» اصول تقسیم کرد.

## وظایف پلیس در پرتو حقوق شهروندی:

مطابق قانون اساسی، قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده واحده قانونی احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و سایر قوانین مرتبط، وظایفی بر عهده نیروی انتظامی گذاشته شده است و لازم است مأموران پلیس در انجام تکالیف قانونی حقوق شهروندی را رعایت نمایند. برخی از اقدامات این مأموران در مقام ضابط دادگستری اشاره می‌شود:

### ۱- قانون‌گرایی:

تردید نیست رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس از طریق توجه به مبانی شرعی و قانونی امکان‌پذیر است و جامعه انتظار دارد پلیس به عنوان مجری قانون، از اصول و موازین قانونی عدول ننماید؛ پس مأموران پلیس به هیچ وجه حق مداخله خود سرانه، توسیع و تضییق دایره جرائم و تفسیر قوانین کیفری را ندارند و صرفا باید در چارچوب قانون انجام وظیفه نمایند.

### ۲- برائت محوری:

یکی از اصول مسلم شرعی و قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران، اصل برائت است. قاعده «قیح عقاب بلابیان» و همچنین آیاتی از قبیل آیه ۱۵ سوره اسراء حاکی از توجه شرع مقدس به این اصل مهم است. از طرفی اهمیت این اصل در قوانین کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق اصل ۳۸ این قانون «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود؛ مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

علاوه بر قانون اساسی، سایر قوانین نیز به این موضوع اشاره دارند. مطابق ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص

آسیب وارد کند» و مطابق بند دوم ماده واحده قانونی احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، «اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت الزم برخوردار باشد».

دستگاه پلیسی هر کشور، که تکلیف کشف و تهیه عناصر تشکیل دهنده یک پرونده کیفری یا موضوع مستلزم تحقیق را بر عهده دارد، می تواند در پی ریزی یک پرونده اتهامی غیرقانونی و غیرمنصفانه نقش اساسی ایفا کند؛ به نحوی که حتی دستگاه قضائی به یک روند ناخواسته هدایت گردد؛ بنابراین آموزش دستگاه پلیسی و امنیتی یک کشور و التزام آنها به اصل برائت کیفری در ترویج و گسترش احساس امنیت افراد جامعه، فرهنگ قانون مداری و کاهش هزینه ها و کمیت پرونده های اتهامی در دستگاه قضائی بسیار حائز اهمیت است.

### نتیجه گیری

حقوق شهروندی حقوقی است که شهروندان به لحاظ تعلق سیاسی تابعیت و ملیت از آن برخوردار می شوند و با حقوق بشر از این جهت همپوشانی دارد که ریشه حقوق جایگاه حقوق شهروندی در مدیریت پلیس با تکیه بر منابع اسلامی شهروندی را باید در حقوق بشر جستجو نمود؛ در واقع حقوق بشر مربوط به حقوق انسان صرف نظر از موقعیت زمانی و مکانی اوست؛ در حالی که حقوق شهروندی در قلمرو دولت ها قابل بحث است؛ پس در حقوق بشر رابطه یک طرفه حق و در حقوق شهروندی رابطه دو طرفه حق-تکلیف مطرح می شود.

سابقه تاریخی حاکی از آن است ریشه حقوق شهروندی در غرب را همانند سایر موضوعات علوم اجتماعی بایستی در یونان باستان جستجو نمود که سیر تحولات آن در غرب تاکنون شامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است. با این وجود جایگاه حقوق شهروندی از نظر قرآن کریم و ائمه معصومین در اداره جامعه اسلامی به مراتب دارای سابقه ای طولانی تر می باشد و تحت عنوان حقوق حاکم بر مردم و حقوق مردم بر حاکم مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

در کشور ما نیز این شاخه از حقوق دچار تحولات زیادی شده است که بهترین آن پس از انقلاب نیز فرمان هشت ماده ای حضرت امام و رویکرد اسلامی به قانون اساسی و قوانین عادی و اخیراً نیز ماده واحده قانونی احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳ مدعایی است بر اینکه قانونگذار بر اهمیت حقوق شهروندی و تأکید بر رعایت آن توسط مسئولان حکومتی اهتمام ورزیده است.

این نگاه تاریخی به سیر تحولات حقوق شهروندی تاکنون به ما کمک می کند بتوانیم با درک بهتر و جامع تری فلسفه حقوق شهروندی و ارتباط آن سیاست های قضایی و اجرایی کشور را واکاوی نماییم؛ به طوری که میتوان گفت هر جامعه ای که به حفظ و رعایت حقوق شهروندان توجه داشته است دارای سابقه درخشان و ارزشمندی است؛ کما اینکه چگونگی این موضوع را می توان در مدیریت ائمه هدی به روشنی دید.

پس یکی از موارد فلسفه حقوق شهروندی، احقاق حقوق شهروندان و به تبع آن گسترش عدالت اسلامی است؛ دیگر آنکه یکی از مواردی که به دوام دولت ها و به تبع آن عملکرد مفید مدیریت در نیروی انتظامی کمک می کند، رعایت حقوق شهروندی است؛ زیرا اگر مدیران پلیس با تمام وجود، مقوله حقوق شهروندی را با آنچه که در مبانی اسلامی این موضوع گفته شد بپذیرند می توانند نقش مهمی را در نهادینه کردن آن در نیروهای تحت امر خود به خصوص کارکنان شاغل در رده های اجرایی ایفا نمایند. تاریخ نشان داده در جوامعی که به حقوق شهروندی مردم توجه ننموده اند عمر بسیاری نداشته اند؛ کما اینکه از دیدگاه حضرت علی (ع) توجه به حقوق شهروندی باعث عزت دین، استحکام پیوند دین و جامعه، دوام حکومت اسلامی در جامعه می شود.

### منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، شهرام و منصورآبادی، عباس، «تحولات مدیریت پیشگیری از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، تهران: پلیس پیشگیری ناجا، شماره ۸، ۱۳۸۷.
۲. احمدی، احمد، جرمهای مثبتی: علل و راهکارهای پیشگیرانه (در پرتو تدابیر دستگاه قضایی)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۹، ۱۳۸۷.

۳. اداره‌ی کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، بررسی عناوین قانون اساسی ایران، تهران: اداره‌ی کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۶۴.
۴. بارانی، محمد و جزینی، علیرضا، «سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض قانون»، در: مجموعه مقاله‌های برگزیده در همایش علمی.
۵. پلیس کاربردی و نظام عدالت کیفری برای کودکان و نوجوانان، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
۶. تقی پور ظهیر، علی، مبانی و اصول آموزش و پرورش، تهران: آگاه، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۷. جعفری دولت آبادی، عباس، «سخن سردبیر»، مجله‌ی تعالی حقوق، تهران: دادسرای
۸. عمومی و انقلاب تهران، شماره ۱۳۹۰، ۱۲.
۹. رجبی، ابراهیم (۱۳۸۸)، پلیس و حقوق شهروندی، تهران: مرکز تهیه و توزیع منابع آموزشی دانشگاهی (ناشر علوم پلیسی)
۱۰. روشن، محمد، پلیس کودک و نوجوان (نگرشی بر حقوق کودکان و نوجوانان)، تهران: چکه، چاپ نخست، ۱۳۸۹.
۱۱. صانعی، پرویز، جامعه‌شناسی ارزشها، تهران: گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۷۲.
۱۲. فرجی‌ها، محمد، اقدام مناسب قوه قضاییه برای پیشگیری از جرم، پایاننامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۷۰.
۱۳. کاری یو، روبر، «مداخله روانشناختی- اجتماعی زودهنگام در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه»، برگردان: علیحسین نجفی ابرندآبادی، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، تهران: دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۳۵ و ۳۶، بهار ۱۳۸۶
۱۴. کینیا، مهدی، «مصاحبه»، مجله راه عدالت، تهران: دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۳ و ۱۳۷۵
۴. گراهام، جان، تاثیر مداخله‌های زودهنگام روانشناختی- اجتماعی در پیشگیری از بزه‌کاری، برگردان: یاسمن خواجه نوری، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
۱۵. گسن، ریمون، جرم‌شناسی کاربردی، برگردان: مهدی کینیا، چاپخانه‌ی عالمه طباطبایی، چاپ نخست، ۱۳۷۰.
۱۶. گلشن فومنی، محمدرسول، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، دوران، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و غالمی، حسین، «آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران»، مجله‌ی تخصصی الهیات و حقوق، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره‌ی ۲۰، تابستان ۱۳۸۵.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی نظری (دوره دکتری)، دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات مباحثی در علوم جنایی (به کوشش شهرام ابراهیمی) دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویراست ششم، ۱۳۹۰.
۲۰. نیازپور، امیرحسین، «پیشگیری از بزه‌کاری در قانون اساسی ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۴۵، نیازپور، امیرحسین، «کارکرد بازپرورانه کیفرهای جامعه‌مدار، با تاکید بر لایحه قضایی مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان»، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، معاونت پیشگیری ناجا، شماره‌ی ۴، ۱۳۸۷.
۲۱. نیازپور، امیرحسین، «حقوق پیشگیری از بزه‌کاری در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۳. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تهران: پلیس پیشگیری ناجا، میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۴.

22. Carrabine, Eamonn and others, Criminology, Routledge Publisher ۲۰۰۹,

23. Siegel, Larry.J and Senna, Joseph. J, Introduction to Criminal Justice ,Thomson and Wadsworth Publisher, 2008
24. Siegel, Larry.J, Criminology, Thomson and Wadsworth Publisher